

روایهایی که می‌آیند

ساسان گلفر

cinemaglobe.blogfa.com

خون شاعر

■ این هفته خود ادگار آلن پو شاعر به روی پرده رفت و ریچارد لینکلتر و جیمز مک تیگ آتاری را به نمایش گذاشتند. علاوه بر فیلم‌های معرفی‌شده، کمدی «مرد مکانیکی غول‌پیکر»، انیمیشن خانوادگی «زدان دریایی‌ا دار و دسته ناجورها»، اکشن «گاو صندوق»، درام «هرچ فرورخته»، ترسناک علمی-تخیلی «فاجیه ۴۰۷»، «درام تاریخی «جنگجویان رنگین‌کمان» و مستندهای «نوزایی» و «باز پرداخت» نیز اکران گرفته‌اند.

■ ■ ■

برنی



Bernie

یک شهروند محبوب همه ساکنان شهری کوچک در تگزاس، پیرزنی را که با همه قطع ارتباط کرده است، به قتل می‌رساند و برای مدتی طولانی، وانمود می‌کند که او زنده است. این کمدی جنایی را ریچارد لینکلتر، سازنده «پیش از غروب» و «یک اسکتر تاریک‌تر» ساخته است و جک بلک، متیو مک کانهی و شرلی مک لین در آن بازی می‌کنند. زمان نمایش فیلم ۱۰۴ دقیقه و درجه آن بی‌چی ۱۲. است.

کلاغ



The Raven

پس از آنکه مرد دیوانه‌ای در بالتیمور سده نوزدهم با الهام گرفتن از داستان‌های ادگار آلن پو (جان کیوزاک)، نویسنده و شاعر نامدار مرکب قتل می‌شود، شاعر برای آنکه جلوگیری از به‌یاد ماندن به یک کار آگاه پلیس (لوک اوارتز) می‌پیوندد و زندگی خودش به خطر می‌افتد. برندان گلیسن، الیس ایو و الیور جکسن کوهن از دیگر بازیگران این اثر دلهره‌آور ۱۱۱ دقیقه‌ای با فیلمنامه بن لیونگستن و هانا اسکسیر به کارگردانی جیمز مک تیگ (کارگردان «وی به نشانه انتقام») هستند.

شهروند گنگستر



سربازی که از جنگ جهانی دوم به آمریکا بازگشته، پس از آنکه از تحقق رویاهایش ناامید می‌شود، راه سرفت بانک را در پیش می‌گیرد و نفر از چند مورد سرقت جزیسی به تدریج به یک بانک‌زن خطرناک تحت تعقیب بدل می‌شود. این درام جنایی محصول کشور کانادا را تانان مورلاندو نوشته و کارگردانی کرده‌است. اسکاٹ اسپیدمن، کلسی رابلی، براین کاکس و کوین دوراند از بازیگران این فیلم هستند. زمان نمایش ۱۰۵ دقیقه است.

پنج سال نامزدی



The Five-Year Engagement
فیلم افتتاحیه جشنواره تریبیکا ۲۰۱۲، کمدی رمانتیکسی است به کارگردانی نیکلاس استولور و با فیلمنامه‌ای از استولر و بازیگر نقش اول مرد فیلم، جیسن سیگال (مشابه همکاری این دو نفر در سال ۲۰۰۸ برای ساختن «به فراموشی سپردن سارا مارشال» که در آن به اوج و فرود زندگی یک زوج در یک دوران طولانی نامزدی پرداخته می‌شود. امیلی بلانت، کریس پرات، آلینس بری و ریس آیفاز از دیگر بازیگران این فیلم هستند. زمان نمایش فیلم ۱۲۴ دقیقه است.

۹۶ دقیقه



Minutes 96
در این درام دلهره‌آور در اصل ۹۳دقیقه‌ای و در زمان کوتاه و پر از دلهره سرعت یک اتومبیل، زندگی چهار نوجوان در هم گره می‌خورد و تماشاگر با داستان زندگی هر یک از آنها و مسایل نژادی، طبقاتی و خانوادگی پیرامون‌شان آشنا می‌شود. بریتانی استو، لوان راس، دیوید اولیو و کریستین سراتوس از بازیگران این درام دلهره‌آور هستند که ایمی لگوس نوشته و کارگردانی کرده‌است.

سینمای جهان

گفت‌وگو با «ریچارد لینکلتر» و «متیو مک کانهی»، کارگردان و بازیگر «برنی»

یک کلاغ، چهل کلاغ در دادگاه

تاد گیلکر ایست/ ترجمه: پریا لطیفی‌خواه



لری جک دانستن و متیو مک‌کانهی در نمایش «برنی»

م: و خیلی باید با او وقت صرف می‌کردیم. اما در صفحات فیلمنامه برای این آدم مسیر بسیار مشخصی ترسیم شده بود و من می‌دانستم این نقش چیست. بدش من و ریک در تمرین‌های مرحله پیش‌تولید با هم به این نقطه آغاز خلافتان برای او رسیدیم و بعد از یک نشست، آنقدر او در تصور شکل گرفته بود که تصمیم گرفتم دیگر برای مطالعه این نقش سراغ شخصیت واقعی نروم.

ر: ل! اما جک (بلک) می‌خواست با برنی ملاقات کند.

که به نظر من ایده خیلی خوبی بود. در عین حال، من واقعا فکر می‌کردم که لزومی ندارد متیو هم با دنی باک ملاقات کند.

اگر چیزی در ذهنت است و برای سال‌ها و سال‌ها در آن بهمانده احتمالا باید فیلمش را بسازی. باید زمان می‌گذاشتیم تا نطفه‌اش در ذهنم شکل بگیرد و بعد به من ثابت شد داستان عمق زیاد و سطوح بسیار دارد.

متیو، شخصیت اصلی را در ابتدا چطور می‌دید و چه احساس مسئولیتی در این مورد داشتی که به جای داستان گفتن در بهترین شکل ممکن، حریف او را به

دقیق‌ترین نحو تصویر کنی؟

متیو مک آنتاهی: کلیت فیلمنامه به نظرم بسیار بسیار خنده‌دار می‌آمد. گفتیم: «ریک، به نظرم این خنده‌دارترین چیزی است که تا به حال از تو به دستم رسیده و بازه‌ترین فیلمنامه‌ای است که از تو رسیده.» بعد قرار شد که نقش داستان را بازی کنم. من تا به حال سه بار نقش وکلای مدافع را بازی کرده‌ام بنابراین بازی در نقش یک داستان برایم جالب بود. این دو با هم خیلی فرق دارند و کلیل مدافع یک عالم تردیدهای محتمل را به هم می‌افد اما داستان فقط قصد دارد طرف را به داخل تابوت بفرستد، بنابراین باید خیلی صریح‌تر و پرخاشگرانه‌تر عمل کند ولی من به صورت زندگی‌نامه‌ای به قضیه نگاه کردم، برخلاف آنچه مثلا در فیلم «بسران نیوتن» عمل کردم.

ر: بله، خیلی کارها باید روی آن انجام می‌دادیم.

درگوشی یک کلاغ، چهل کلاغ و شایعه و «هی دانستی؟» برقرار بود. به هر حال مردم در جامعه هم چنین رفتاری دارند ولی در یک شهر کوچک ایسن به صورت یک قاعده درمی‌آید. بنابراین به ایده استفاده از شایعه به مثابه یک وسیله داستانونی مثل گروه کر نمایش‌های یونان باستان رسیدیم. مردم هم این‌طور می‌گفتند که «باید بعضی از این حرف‌ها را دراماتیزه کنی» و فکر می‌کنم این مساله عجیب باعث می‌شد فیلم از شیوه معمول تولید سینمای بدنه فاصله بگیرد. ولی من به مساله به این نحو نگاه می‌کردم و به دنبال آن بودم که داستان را به شیوه منحصر بفردی تعریف کنم. از این شیوه برای هر داستانی استفاده نمی‌کنم، مگر اینکه داستانی باشد که در شهری کوچک اتفاق می‌افتد. آن وقت وجود این شایعه‌ها مناسب به نظر می‌رسد. من به دنبال راهی می‌گشتم تا چنین چیزهایی را در فیلم جابدهم و چیزی که باعث می‌شد بعضی‌ها از بودنش در فیلمنامه احساس نگرانی کنند،

نکته

ریچارد لینکلتر: اگر چیزی در ذهنت است و برای سال‌ها و سال‌ها در آن بهمانده، احتمالا باید فیلمش را بسازی. باید زمان می‌گذاشتیم تا نطفه‌اش در ذهنم شکل بگیرد و بعد به من ثابت شد داستان عمق زیاد و سطوح بسیار دارد



ر: آن هستند. خوشحال شدم از اینکه دیدم همان‌طور که انتظار داشتیم، عمل کرد.

چطور به این نتیجه رسیدید که برنی به عنوان مظهر مجسم سخاوت نگاه کنید و با اینکه دنی باک در پیگیری عدالت چهره موجهی دارد، او را خودبزرگبین و پرخاشگر بدانید؟ آیا کسب اطمینان از اینکه باک مورد تهمت قرار نگرفته باشد، کار دشواری بود؟

ر: ل! از دیدگاه متیو، شما تنها آدم عاقل این شهر هستید.

مروری بر فیلم «برنی»

جایی که جنوب آغاز می‌شود

تاد مک کارتی

دقت انتخاب می‌کند و با ناز و اطوار قدم برمی‌دارد و موقع صحبت کردن دست‌های درهم قلاب‌شده‌اش را روی شکم می‌گذارد. او با هر شخصی که روبه‌رویش قرار گیرد، بی‌نیاهت با ملاحظه برخورد می‌کند و همیشه آماده است تا کلمات مناسبی برای افراد داغ‌دیده به کار گیرد و در این شهر کوچک که همه یکدیگر را می‌شناسند، به ویژه مورد علاقه پیرزن‌هاست.

یک شاهد عینی می‌گوید: «همه بیهوهای شهر به برنی علاقه داشتند.» بنابراین دوست شدن او با پیرزن تندخویی به نام مارجری (شرلی مک لین) که با هیچ‌کس صحبت نمی‌کند، همه را به تحسین وامی‌دارد. توجه و علاقه بیش



منبع: هالیوود ریپورتر

منظورم این است که حرف شما موجه و معقول است. شما تنها فردی هستید که بدون تاثیر پذیرفتن از کارهای افراطی که این شخص انجام داده، به او نگاه می‌کنید.

م: چالشی که می‌خواستم مورد توجه قرار بگیرد و از وقتی این کار شروع شد تلاشم را کردم. این بود که طوری آب و تاب دادن و خودنمایی‌های او را نشان بدهم که از او کاریکاتور نسازم چون او بسیار بیرونی می‌شود و یک شومن است. نمی‌خواستم گفته شود: «اوه، باورم نمی‌شود که این یک آدم واقعی باشد.» چون دنی باک یک شخص واقعی است و وجود دارد. همچنان یک شخصیت متظاهر است اما بر این مبنا که «من راست می‌گویم و کارم برقراری عدالت است.» تا وقتی به مساله قضاوت و عدالت چسبیده‌ام، سر جای خودم هستم. این شخصیت می‌گوید کارش این است.

همه واقعیت‌های دیگر، گفته‌های دیگر، از روی احساسات نیست. مهم نیست که از او خوش‌تان می‌آید یا نمی‌آید، وقتی بلافاصله بعد از این حرف‌ها می‌گوید «بهتر است شب‌ها در خانه‌شان را قفل کنید» و جملاتی اضافه می‌کند که یعنی برترسید، لولو خورخوره دارد می‌آید. به نظرم احتمالا دنی باک فکر نمی‌کرد که این حرف‌ها واقعیت دارد، ولی نشان دادن آنها مفید بود.

ر: ل! ندانم آیا او درباره خودش این‌طور فکر می‌کرد یا نه، ولی آنجا یک دادگاه بود و در آنجا نمی‌توانستید از روی «ظاهر» دنی باک درباره واقعیت او قضاوت کنید و فکر نمی‌کنم تماشاگران فیلم می‌توانستند آن را باور کنند. دنی باک واقعی حتی از این هم فراتر می‌رود و نسخه‌طرفی که متیو از او ساخته است با مورد واقعی مقایسه می‌شود. شما قبلا جمله‌ای گفتید که او را مثل «فرشته مرگ» توصیف کردید. من با چشم خودم او را روی پلکان دادگاه دیده بودم و دقیقاً مثل توصیف شما بودم. منظورم این است که درست زدید به خال و همان را گفتید که من می‌خواستم، یعنی اینکه بله، ما لحظه‌های واقعی را بازسازی کرده‌ایم.

منبع: ایندی وایر

از اندازه برنی، به تدریج مارجری را جذب او می‌کند و او برنی را به به عمارت اعیانی خود که دیوارهایش پوشیده از پیکره‌ای تاکسیدرمی‌شده جانوران بزرگ شکاری است، دعوت می‌کند. به سفرهای دور و دراز می‌برد و به نوه‌های بزرگسالش می‌نویسد که همه دارایی‌اش را به برنی بخشیده است. با قفل مارجری در دقیقه ۵۰، لحن فیلم به شکلی اجتناب‌ناپذیر تغییر می‌کند که البته بیشتر ناشی از چرخش رویادهاست تا کنترل کارگردان بر سبک و لحن فیلم. ۹ماه می‌گذرد و هیچ‌کس دلش برای مارجری که از همه دور افتاده است، تنگ نمی‌شود. تا آنکه بقایای جنازه او پیدا و برنی بازداشت می‌شود و یک داستان حبس‌گاه به‌نام دنی باک دیویدسن (متیو مک کانهی) او را به محاکمه می‌کشد.

موضوع فیلم امکان هر رویکرد هنرمندانه‌ای را فراهم می‌آورد. کمدی سیاه عمیق، مطالعه‌ای گزینده در باب شخصیت، نگاهی به اخلاق جامعه و رفتارهای از سر دورویی و بررسی دیدگاه‌های حقوقی و قضایی و مذهبی. بازی درخشان و سنجیده بلک کاملاً جافتاده و آنقدر جدی است که بازی‌های معر که چارلز لاونتن در نقش پیشخدمت متملق «چین و چروک رخنه سرخ» و آلک گینس در «قاتلان پیرزن» را تداعی می‌کند. شخصیت‌پردازی بلک هر آنقدر قدرتمند است که راه را برای هر رویکردی باز می‌گذارد اما لینکلتر هیچ دیدگاه مشخصی را برنی‌گریند یا برای بهتر ساختن فیلم قدمی برنمی‌دارد و در نهایت، فیلم به‌نام دنی باک میان‌مایه می‌ماند که بتواند تماشاگرش را به قلاب بیندازد. کارتریج در شرق تگزاس موقعیتی دارد که بیشتر می‌توان آن را «جایی که جنوب آغاز می‌شود» نامید تا مکانی که در اتحاد فرهنگی با بقیه نقاط آن ایالت باشد و این مشخصه فرهنگی در فیلم بسیار جذاب است. مک لین با آنکه حس تنفر مارجری را بی‌چون و چررا القا می‌کند، بازی یکسویه‌ای ارایه می‌دهد که از روحیات متغیر و زیرپوستی انسان بی‌بهره است، در حالی که مک کانهی به زیر پوست شخصیت پیرمرد مجری قانون جریان‌ی از هراس و چندش وارد می‌کند.

نازه چه خبر دکتر جون؟

نقطه شروع



■ بن کینگزلی، آرمی همر، جان مالکویچ، مایکل شین و ترزا پالمر هسته مرکزی بازیگران فیلم «کات بنک» را تشکیل می‌دهند که قرار است نقطه ورود یک کارگردان تلویزیونی

به عرصه سینما باشند. به گزارش ددلاین، مت شکمن، کارگردان چندین سریال تلویزیونی از جمله «بتی زشته» و «سردان دیوانه» برده بزرگ را با تریلر جنایی «کات بنک» خواهد آزمود. این داستان که شباهت‌هایی با پروژه اسکاٹ اسمیت و سم ریمی با عنوان «یک نقشه ساده» دارد، در شهر کات بنک ایالت مونتانا می‌گذرد و قهرمانش یک مکانیک اتومبیل و ستاره سابق مسابقات فوتبال دبیرستانی است که در رویای زندگی بهتری در خارج از آن شهر، دست به خلاف به ظاهر کوچکی می‌زند و تبعات مرگبار این مساله به کل شهر سربایت پیدا می‌کند.

جزئیات فیلم ون سنت



■ فیلمنامه اثر تازه گاس ون سنت را دو بازیگر نقش اصلی فیلم، مت دیمن و جان کرازینسکی نوشته‌اند. هفته گذشته جزئیاتی از داستان این فیلم که «سرزمین موعود» نام دارد

و فیلمبرداری‌اش آغاز شده است، در رسانه‌ها فاش شد. در «سرزمین موعود»، مت دیمن و همکارش (با بازی فرانسس مک دورمند) با په روستایی می‌گذارند که از بحران اقتصادی سال‌های اخیر به شدت آسیب دیده است تا با پرداخت پول به ساکنان روستا حق حفاری در زمین‌های آن منطقه را برای شرکت خود کسب کنند. این کار آسان به نظر می‌رسد اما دخال مت معمر مسلم روستا (هال هالیوک) و یکی دیگر از اهالی محل (جان کرازینسکی) نقشه‌های آنها را نقش بر آب می‌کند. این فیلم در سال ۲۰۱۳ آماده نمایش می‌شود.

پنهان در پناهگاه



■ بعد از برادران توانایی، دارن، واچفسکی، کوئن... دو برادر دیگر نیز قرار است به خیل برادران کارگردان بپیوندند. به گزارش هالیوود ریپورتر، «پنهان» نام اولین فیلم بلندیی است که مت دافور

و راس دافور، بعد از ساختن چند فیلم کوتاه موفق قصد دارند کارگردانی کنند. آندریا رینزبورو، بازیگر انگلیسی که در سال‌های اخیر با حضور در نقش‌های مکمل «لکی خوش» مایک لی، «سانکات گانهایم» نایجل کول، «هرگز ترکم نکن» و نقش اصلی «دلبویای» مدونا شهرتی برای خود دست و پا کرده است، نقش مقابل الکساندر اسکارسگار (بازیگر «مالخویلیا») را در فیلم «پنهان» ایفا خواهد کرد. در فیلم «پنهان»، خانواده‌ای برای فرار از یک بیماری مسری به یک پناهگاه زیرزمینی ضد بمب پناه می‌برند و در همان حال که دنیا از هم فرو می‌پاشد، افراد این خانواده با خطرهای تازمای روبه‌رو می‌شوند.

باز هم کشمکش نژادی



■ تیت تیلور، بازیگری که به کارگردانی روی آورد و سال گذشته با اقتباس درام «خدمتکار» از رمانی به قلم کاترین استاکت درباره کشمکش‌های نژادی آمریکای دهه ۱۹۶۰ خوش درخشید، اثر اقتباسی دیگری را در دست گرفته است. به گزارش ددلاین، فیلم تازمای که تیلور مشغول مذاکره با فوکس ۲۰۰۰ برای نوشتن فیلمنامه و کارگردانی آن است، «هیات‌منصفه» نام دارد و از یک مینی سریال تلویزیونی انگلیسی اقتباس می‌شود. تولید این اثر از مدت‌ها پیش در دستور کار بوده‌است. فوکس در سال ۲۰۰۷ حقوق اقتباس این سریال را خریداری کرد و در ابتدا قرار بود بو ویلیامز (نویسنده «جیمه ماه مارس») فیلمنامه را بنویسد و مارک فارستر (کارگردان «بادبادک‌باز»، «عاطف با مسلسل» فیلم را کارگردانی کند. تیلور در این داستان نیز با مضمون تعصب نژادی دست و پنجه نرم می‌کند.

پایان پایان جهان



■ ادگار رایست، کارگردان «هات فاز» و «شاون مردگان» و بازیگر این فیلم‌ها، سایمون پگ-که البته همکار کارگردان در نگارش فیلمنامه هر دو فیلم نیز بود- بالاخره با کمک هم فیلمنامه «پایان جهان» را به پایان رساندند. این فیلم همچنین بخش پایانی یک تریلوی به نام «خون و بستی» است که دو قسمت قبلی آن عبارت از «شاون مردگان» محصول ۲۰۰۴ و «هات فاز» ۲۰۰۷ بود. از جزئیات فیلمنامه «پایان جهان» در حال حاضر جزئیات نام‌های «ندی، استیون پیتز، الیور» و عبارت‌های «کت نظامی پشمی سیاه» و «گلوله‌های گری نوجوان» اطلاعی در دست نیست، ولی به نظر می‌رسد که تکمیل دست‌نویس دوم آن در روزهای اخیر مقدمات تولید را به سرعت فراهم می‌آورد و به زودی جزئیات بیشتری بر ملا می‌شود.